



رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه

دکتر عباس گوهری^۱
محسن دیمه کار گراب^۲
(صفحه: ۹۱ - ۱۱۵)

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱

چکیده

انتظار فرج یکی از ارکان اساسی مذهب شیعه به شمار می آید. این باور اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود یک عامل مهم تربیت، خودسازی، تحرک و امید و سبب اصلاح فرد و جامعه خواهد بود. لذا یکی از ثمرات آن تلاش در جهت زمینه سازی برای ظهور امام عصر(ع) و تحقق دولت کریمه است که این امر در دو حوزه رسالت عموم مردم و رسالت حکومت اسلامی قابل بررسی می باشد. لذا در این نوشتار تلاشی صورت گرفته است که با روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی نو به روایات اهل بیت(ع) به بیان شاخصه های اساسی رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه بپردازد. بر اساس این پژوهش مهم ترین شاخصه های رسالت عموم مردم عبارت است از: ارتقاء سطح معرفت نسبت به امام عصر(ع)، تمسک به دین، تولی و تبری، اجتناب از گناهان، انجام اعمال صالح، ذکر و یاد آن حضرت، دعا برای تعجیل در فرج و تبعیت از ولی فقیه و از سوی دیگر مبارزه با ظلم، فساد، بدعت و عوامل آن، پاسخگویی به شبهات و افکار ضد مهدویت، در حوزه رفع موانع ظهور و عدالت گستری در جامعه اسلامی، تربیت نیروی انسانی، کسب توانمندی های نظامی، ارتقاء معرفت و بصیرت مردم در دین، تقویت روحیه ایمان، تقوی، جهاد و دفاع از دین، ارتقاء عشق و محبت مردم به معصومان(ع) از مهم ترین شاخصه های رسالت حکومت اسلامی در ایجاد زمینه مناسب برای ظهور و تحقق دولت کریمه به شمار می آید.

کلید واژه ها: امام مهدی (ع)، رسالت شیعیان، انتظار، حکومت اسلامی، زمینه سازی و ظهور .

ab.gohari@iauct.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، رشته فلسفه و کلام اسلامی

۲. دانشجوی رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه امام صادق(علیه السلام)

mdeymekar@gmail.com

مقدمه (طرح مسأله)

یکی از دوران های بسیار حساس در تاریخ زندگی بشر دوران ظهور امام عصر(علیه السلام) است که در بسیاری از روایات برخی از وقایع آن دوران، همچون تحقق حکومت جهانی آن امام، مبارزه با ظلم، عدالت گستری در سراسر زمین، رشد و کمال معنوی در مردم و موارد دیگری بیان شده است (کلینی، ۳۳۸/۱؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۷۵/۲؛ طوسی، ۱۸۰). سؤال اساسی که در خصوص این مطلب وجود دارد آن است که با توجه به نقش اساسی و مستقیم مردم در سعادت و یا شقاوت خویش، آیا معصومان (علیهم السلام) در دوران غیبت و هنگامه ظهور، رسالت ویژه ای برای شیعیان خویش در برابر امام عصر(علیه السلام) و زمینه سازی و تحقق دولت کریمه ایشان تعیین کرده اند؟ و دیگر این که حکومت اسلامی در صورت برقراری در میان شیعیان، چه رسالتی در دوران غیبت به عهده دارد.

روشن شدن این مطلب نیازمند بررسی دقیق مفهوم انتظار و جایگاه آن در نظام اعتقادی اسلام است که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- انتظار

«انتظار» یکی از مهم ترین اموری است که معصومان(علیهم السلام) شیعیان را در دوران غیبت توصیه بسیاری به آن نموده اند. بر این اساس فهم صحیح «انتظار» و پی بردن به اهمیت، ضرورت و فلسفه آن امری ضروری است:

۱-۱- مفهوم انتظار

«انتظار» از ریشه «نظر» می باشد. در لغت «نظرت فلاناً» با جمله «انتظرته»

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۹۱

به یک معنا است و آن گاه که گفته می شود «انتظرت» یعنی انجام آن کار هنوز از انسان فوت نشده است و خلاصه به معنی «وقف و تمهلت» می باشد (خلیل بن احمد، ۱۵۶/۸؛ ابن منظور، ۲۱۶/۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز به معنی اختیار و انتخاب نمودن نظر دقیق است (مصطفوی، ۱۶۸/۱۲). برخی نیز بر این باورند که امید به آینده و فردای بهتر امری است که در مفهوم انتظار نهفته است که این امر ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است (رک: شفیع سرستانی، ۱۱۵). اما انتظار به عنوان یک اصل اعتقادی در اسلام بیشتر درباره انتظار امام عصر (علیه السلام) و دولت کریمه ایشان بیان شده است. در واقع انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی مرکب از دو عنصر «نفی» و عنصر «اثبات» است عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتر بودن و تلاش برای تحقق آن می باشد. تحقق این دو جنبه در روح انسان از یک سو موجب ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها می شود و از سوی دیگر سبب خود سازی، خود یاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی خواهد شد. بر این اساس به خوبی دیده می شود که هر دو قسمت آن سازنده، عامل تحرک، آگاهی و بیداری است (رک: مکارم شیرازی، ۳۸۲/۷).

۱-۲- اهمیت انتظار فرج

انتظار فرج در روایات اهل بیت (علیهم السلام) از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در برخی از روایات از آن به عنوان محبوب ترین اعمال نزد خداوند (صدوق، الخصال، ۶۱۶/۲) و در برخی دیگر به عنوان بهترین اعمال امت ذکر شده است (ابن بابویه، ۶۴۵/۲). و گاه آن را بهترین اعمال شیعیان (خزاقمی، ۲۸۱). تعبیر محبوب ترین و بهترین اعمال از یک سو بیانگر جایگاه والای عبادی این

امر است و از سوی دیگر بیانگر دعوت امت به این عمل عبادی است. در برخی از روایات، از این امر گاه به عنوان بهترین جهاد امت تعبیر کرده اند (ابن شعبه حرانی، ۳۸). در این تعبیر نیز نکات فراوانی نهفته است. از قبیل این که به لحاظ عبادی، جایگاه انتظار را در حد جهاد نشان می دهد و نیز گویای تحرک و پویایی در مفهوم انتظار است و دیگر این که تحقق مفهوم حقیقی انتظار همچون تحقق جهاد از دشواری بسیاری برخوردار است. امام صادق (ع) کسی که در حال انتظار فرج بمیرد را به منزله کسی دانسته است که در خیمه حضرت مهدی (ع) نزد وی باشد و در ادامه روایت چنین فردی را مانند کسی که همراه با رسول خدا (ص) باشد دانسته است (برقی، ۱۷۳/۱). و در روایت دیگری چنین فردی را همچون کسی که پیشاپیش رسول خدا (ص) نبرد می کند، ذکر نموده است (نیلی نجفی، ۷۹).

در منابع روایی اهل سنت نیز از رسول خدا (ص) نقل شده است که ایشان بهترین عبادت را انتظار فرج دانسته است (ترمذی، ۲۲۵/۵؛ هیشمی، ۱۴۷/۱۰؛ طبرانی، ۲۳۰/۵؛ سیوطی، ۱۴۹/۲). لذا انتظار فرج، اختصاص به مکتب امامیه ندارد. بلکه در روایات اهل سنت نیز به این امر تصریح شده است.

۱-۳- ضرورت انتظار

انتظار موعود، یک اصل مسلم اعتقادی است. برخی از علماء بر این باورند که به استناد بسیاری از روایات، انتظار موعود امری واجب می باشد (موسوی اصفهانی، ۱۳۵/۲). برخی از این مستندات از این قرار است:

الف- امام جواد (علیه السلام) در روایتی به عبدالعظیم حسنی فرمود: قائم از ما همان مهدی است که به انتظار او ماندن در زمان غیبتش و إطاعت از وی در زمان ظهورش، واجب است. ایشان در ادامه فرموده است: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج می باشد (صدوق، همان، ۳۷۷/۲؛ طبرسی، إعلام الوری...، ۴۳۵).

ب- امام باقر (ع) در روایتی برخی از امور دین که به واسطه آن ها اعمال نزد

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۹۳

خداوند قبول می شود را نام بردند که این امور عبارتند از شهادتین، ولایت اهل بیت(ع)، تسلیم بودن در برابر امر ایشان، براءت از دشمنان ایشان، ورع، تواضع و انتظار قائم اهل بیت (ع) (کلینی، ۲۳/۲).

ج- امام صادق(ع) نیز در روایتی به ابوبصیر امور مذکور در روایت پیشین را از اموری دانسته است که خداوند هیچ عملی را بدون آنها نمی پذیرد (نعمانی، ۲۰۰).

د- امام صادق(ع) در روایت دیگری مؤمنان را به انتظار فرج در زمان غیبت حجت خدا امر نموده است (..فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً..) (کلینی، ۳۳۳/۱؛ صدوق، همان، ۳۳۹/۲). علامه مجلسی در شرح الکافی «تَوَقَّعُوا» را به معنی «انتظروا» دانسته است (مجلسی، مرآة العقول، ۴ / ۱۹).

۱-۴- فلسفه انتظار

بی تردید پی بردن به فلسفه و چرایی «انتظار» در دوران غیبت از یک سو در راستای معرفت و بصیرت در دین است و از سوی دیگر آگاهی از مصالح این امر موجب ثبات قدم و استواری بهتر شیعیان در امر انتظار خواهد شد. برخی از مصالح و حکمت های این امر عبارتند از:

۱-۴-۱- اصلاح و خودسازی فردی

تحول بزرگی همچون قیام حضرت مهدی(ع) پیش از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه، آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است (مکارم شیرازی، ۳۸۴/۷).

۱-۴-۲- اصلاح دیگران

تلاش در جهت اصلاح دیگران و خود را مسؤول دانستن در برابر سعادت

بندگان وظیفه دیگری است که از تحقق مفهوم انتظار در فرد و جامعه نشأت می گیرد. در واقع برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست، برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند. باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد. کوشش ها و تلاش ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند (همو، ۳۸۶/۷).

۱-۴-۳- حفظ حلقه اتصال شیعه با امام معصوم

«با توجه به این که در مکتب تشیع پذیرش ولایت معصومان (ع) و تسلیم در برابر ایشان سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبول همه اعمال عبادی است، انتظار در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند (شفیعی سروسنانی، ۱۲۳).

۱-۴-۴- مقدمه تحقق فرج

بر اساس آموزه های اهل بیت (ع) درباره انتظار موعود و حکومت عدل جهانی خود انتظار فرج مرحله ای از فرج می باشد. دلیل این مدعا روایت محمد بن فضیل است که از امام رضا (ع) درباره فرج سؤال نمود و آن حضرت در جواب فرمود: «أَوَ لَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ أَنْتَظَرَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؟ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «... فَأَنْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (یونس، ۲۰). مگر نمی دانی که انتظار فرج خود مرحله ای از فرج است؟» آن گاه فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید: و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم (عیاشی، ۱۳۸/۲).

۱-۴-۵- عدم تسلیم در برابر فساد محیط

یکی از آثار مهم انتظار موعود، حل نشدن در مفاصد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگی ها است. هنگامی که فساد فراگیر می شود و افراد بسیاری را به آلودگی می کشاند گاه افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند. گاه ناامیدی در برخی از افراد نفوذ می کند و آن ها فکر می کنند دیگر امید به اصلاح نیست و تلاش و کوشش برای پاک نگه داشتن خویش بیهوده است، این نومیدی ممکن است آن ها را به تدریج به سوی فساد و هم رنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند. امید به اصلاح نهایی تنها چیزی است که می تواند در آن ها «امید» بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت نماید و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، تنها در این صورت آن ها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت. بلکه تلاش آن ها در این راه بیشتر خواهد شد (رک: مکارم شیرازی، ۳۸۶/۷، ۳۸۷).

پس از بیان مفهوم انتظار و تبیین اهمیت، ضرورت و چرایی آن، به بررسی و تبیین شاخصه های اساسی رسالت منتظران به منظور زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه امام عصر(ع) می پردازیم.

۲- رسالت منتظران

رسالت منتظران در دوران غیبت امام عصر(ع) به منظور زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ایشان در دو بخش رسالت عموم مردم و رسالت حکومت اسلامی قابل بررسی است:

۲-۱- رسالت عموم مردم

۲-۱-۱- ارتقاء سطح معرفت نسبت به امام عصر(ع)

معرفت به امام یکی از مهم ترین وظایف مسلمانان به شمار می آید. اهمیت و ضرورت این امر سبب شده است که امام باقر(ع) در روایتی معرفت به امامان معصوم (ع) را امری واجب برای مؤمنان به شمار آورد(کلینی، ۱۸۱/۱). در روایت دیگری یکی از صادقین(ع) فرموده است: «بنده، مؤمن نمی شود تا این که خدا، رسولش، همه امامان و امام زمانش را بشناسد...» (کلینی، ۱۸۰/۱). رسول خدا(ص) نیز فرمود: هر که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است (مفید، الفصول المختارة، ۳۲۵؛ ابن شهر آشوب، ۲۴۶/۱؛ تفتازانی، ۲۷۵/۲). در روایت دیگری امام صادق(ع) به زراره فرمود: اگر آن زمان (دوران غیبت) را درک نمودی این دعاء را بخوان «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي...» (طوسی، الغيبة...، ۳۳۴؛ ابن طاووس، ۵۲۰). تأمل در این روایت نشان می دهد که زراره با آن همه جلالت، فقاقت و معرفت نسبت به امامان معصوم(ع) نیز در دوران غیبت حضرت مهدی(ع) نیازمند معرفت بیشتر نسبت به خدا، پیامبر و معصومان(ع) است. در واقع عدم معرفت نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت موجب تردید در امامت ایشان می شود و انسان را به گمراهی می کشاند. تأکید بسیاری که اهل بیت(ع) نسبت به معرفت به امام عصر(ع) در دوران غیبت داشته اند بیان گر این مطلب است که ایشان نمی خواستند مؤمنان در دوران غیبت گرفتار فتنه ای شوند که برخی از فرقه های گمراه شیعه همچون زیدیه، فطحیه، اسماعیلیه، واقفیه و مانند ایشان به آن مبتلا شدند و از امام زمان

خویش دور ماندند. با توجه به طولانی بودن دوران غیبت، وجود فتنه های گمراه کننده در این دوران و فراگیری ظلم و فساد در عالم، معرفت به امام عصر(ع) از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که این عوامل موجب تردید در برخی از مؤمنان نسبت به امامت و ظهور آن حضرت می شود. لذا در بسیاری از روایات غیبت دیده می شود که اهل بیت(ع) یکی از اوصاف مؤمنان حقیقی در این دوران را «اعتقاد به امامت حضرت مهدی(ع)» دانسته اند. به عنوان نمونه امام سجاد(ع) در روایتی فرمود: به درستی که مردم دوران غیبت حضرت مهدی(ع) که به امامت وی اعتقاد دارند و منتظر ظهورش می باشند از مردم هر زمانی بهتر هستند. چرا که خداوند تبارک و تعالی عقل، فهم و معرفتی به آن ها عطاء نموده که غیبت نزد آن ها به منزله «مشاهده» است و خداوند ایشان را در زمان غیبت به منزله مجاهدان با شمشیر پیشاپیش رسول خدا (ص) قرار داده است. آن ها مخلصان حقیقی و به راستی شیعیان ما هستند...» (صدوق، کمال الدین...، ۳۱۹/۱). بر این اساس در این روایت به خوبی نمایان است که علت اعتقاد مؤمنان به انتظار و امامت امام عصر(ع) عقل، فهم و معرفتی است که خداوند به آن ها عطاء نموده است.

۲-۱-۲- تمسک به دین

تمسک به دین در دوران غیبت، یکی دیگر از شاخصه های رسالت عموم مردم به منظور زمینه سازی برای ظهور به شمار می آید که اهل بیت(ع) مؤمنان را به آن سفارش نموده اند. مانند روایتی از امام صادق(ع) که فرمود: همانا صاحب این امر غیبتی خواهد داشت که بنده در زمان غیبتش باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش تمسک بجوید (نعمانی، ۱۶۹؛ طوسی، همان، ۴۵۵).

۲-۱-۳- تولی و تبری

تولی نسبت به معصومان(ع) و تبری نسبت به دشمنان ایشان یکی از مواردی

است که اهل بیت(ع) در روایات متعددی مؤمنان را در دوران غیبت به آن سفارش کرده اند. به عنوان نمونه امام کاظم(ع) در روایتی فرمود: «خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به محبت ما تمسک می جویند و بر موالات نسبت به ما و بیزاری نسبت به دشمنان ما ثابت و استوار هستند. آن ها از ما هستند و ما نیز از آن ها هستیم..» (صدوق، همان، ۲/ ۳۶۱؛ اربلی، ۲/ ۵۲۴).

۲-۱-۴- اجتناب از گناهان

یکی از عواملی که تأثیر بسیاری در شقاوت انسان دارد «گناه» است. ارتکاب هر کدام از گناهان انسان را به ارتکاب گناه دیگری می کشاند. چون اساس گناه پیروی هوای نفس است و نفس وقتی هوای یک گناه را داشته باشد هوای امثال آن را نیز خواهد داشت (طباطبایی، ۴/ ۵۰). علامه طباطبایی در جای دیگری به استناد آیات «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسْأَوْا السُّوْءَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (الروم، ۱۰) و «وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» (المطففين، ۱۲) بر این باور است که کسی که در شهوات فرو رفته و دلش گناه را دوست داشته باشد، حاضر نیست منع هیچ مانعی از گناه (همچون ایمان به قیامت) را بپذیرد و نسبت به گناهان بی رغبت و متنفر شود، بلکه در نتیجه گناه زیاد، کار او به جایی می رسد که قیامت و جزا را به طور کلی انکار می کند (طباطبایی، ۲۰/ ۲۳۳). این امر به اندازه ای اهمیت دارد که به استناد آیه «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقرة، ۸۱) ارتکاب بسیار آن موجب خلود در جهنم خواهد شد.

علاوه بر آن چه گفته شد، در بسیاری از روایات، برخی دیگر از آثار و عواقب شوم گناه ذکر شده است. همچون محرومیت از رزق (کلینی، ۲/ ۲۷۰). محرومیت ابدی از فلاح و رستگاری در صورت مداومت و اصرار بسیار بر گناهان (کلینی،

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۹۹

(۲۷۱/۲). محرومیت از نماز شب (برقی، ۱۱۵/۱). عدم استجابت دعاء (کلینی، ۲۷۱/۲). سلب نعمت و استحقاق نعمت (کلینی، ۲۷۳/۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳۳۴/۷۰). بلاهای جدید (ابن شعبه حرانی، ۴۱۰). سیاهی و ظلمت قلب (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۳۴/۷۰). بی تردید یکی از آثار شوم گناه «قساوت قلب» است و انسانی که در گناهان فرو رفته و قلبش قسی شده در حقیقت خود را از اصلاح نفس و آمادگی معنوی به منظور زمینه سازی برای ظهور امام عصر(ع) محروم نموده است. چنین انسانی اگر توبه نکند و اصلاح نشود با ارتکاب گناهان لحظه به لحظه از خدا و اولیاء او دور می شود و توفیق یاری نمودن امام عصر(ع) در دوران غیبت و ظهور از وی سلب خواهد شد. بر این اساس یکی از شاخصه های فردی رسالت منتظران اجتناب از گناهان و رعایت تقوی می باشد.

۲-۱-۵- انجام اعمال صالح

انجام اعمال صالح یکی دیگر از شاخصه های اساسی رسالت منتظران به شمار می آید. اهمیت این امر سبب شده که خداوند در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...» (النور، ۵۵) نوید حکومت جهانی حضرت مهدی(ع) را به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می دهند داده است (طباطبایی، ۱۵۱/۱۵). و در آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۱۰۵) بندگان صالح را وارثان زمین ذکر نموده است. شایان ذکر است که امام باقر(ع) در روایتی بندگان صالح را أصحاب حضرت مهدی(ع) دانسته است (طبرسی، مجمع البیان...، ۱۰۶/۷). امام عصر(ع) نیز در فرازی از توفیق خویش به شیخ مفید لزوم انجام کارهای نیک و اجتناب از گناهان را بیان نموده است «... فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَّحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبَ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا...» (طبرسی،

۲-۱-۶- ذکر و یاد امام عصر(ع)

«ذکر» گاه به معنی حفظ مطالب و معارف و گاه به معنی یادآوری چیزی به زبان یا به قلب است، لذا گفته‌اند ذکر دو گونه است: «ذکر قلبی» و «ذکر زبانی» (راغب اصفهانی، ۳۲۸). علامه طباطبایی ذکر لسانی هر چیز را از آثار ذکر قلبی آن دانسته است (طباطبایی، ۳۳۹/۱). وی می‌نویسد: ظاهراً اصل در این کلمه، ذکر قلبی است و اگر لفظ را هم ذکر گفته‌اند به این اعتبار است که لفظ معنا را بر دل القاء می‌کند (طباطبایی، ۲۵۸/۱۲). این واژه در قرآن کریم نسبت به خداوند بسیار استعمال شده است. مانند آیات «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد، ۲۸)، «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (الأحزاب، ۴۱) و بسیاری از آیات دیگر که مؤمنان را به یاد خدا سفارش کرده است. حقیقت «ذکر» این است که انسان با تمام قلب، متوجه خدا و عظمت، علم و آگاهی و حاضر و ناظر بودنش گردد و این توجه مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد، تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه سد مستحکمی ایجاد نماید (مکارم شیرازی، ۲۱۵/۱۰). معنای گفته شده از ذکر نسبت به «امامان معصوم» نیز سازگار است. به این دلیل که ایشان أسماء حسناى خداوند هستند (عیاشی، ۴۲/۱۲) و به استناد برخی از آیات و روایات، ناظر و شاهد بر اعمال بندگان هستند. مانند آیه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسُرُدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبة، ۱۰۵) که مراد از «المؤمنون» در این آیه امامان معصوم (ع) است (کلینی، ۲۱۹/۱؛ عیاشی، ۱۰۹/۲؛ طوسی، الأمالی، ۴۰۹). از سوی دیگر در بسیاری از آیات قرآن کریم ذکر نعمت توصیه شده است. همچون آیات «... وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۱۰۱

عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ...» (البقرة، ۲۳۱)، «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا
أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...» (المائدة، ۱۱) و «يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ...» (فاطر، ۳) بی تردید یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی «امام معصوم»
است. آیه «... وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ...» (لقمان، ۲۰) شاهی بر این
مدعا است که در برخی از روایات مراد از نعمت ظاهری، امام ظاهر و مراد از
نعمت باطنی، امام غائب ذکر شده است (صدوق، کمال الدین...، ۳۶۸/۲؛ خزاز
قمی، ۲۷۰) و نیز آیه «* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ
الْآبَوَارِ» (ابراهیم، ۲۸) که امیرالمؤمنین (ع) درباره این آیه فرمود: «ما (اهل بیت)
نعمتی هستیم که خدا به بندگانش انعام نموده است..» (قمی، ۸۶/۱؛ کلینی،
۲۱۷/۱). بر این اساس مراد از ذکر و یاد امام عصر(ع) این است که انسان در همه
حال، امام عصر(ع) را حاضر و ناظر بر اعمال خویش بداند و یاد آن حضرت مانع
از ارتکاب گناه شود و انسان را به انجام کارهای نیک تشویق نماید.

تأمل در سیره اهل بیت(ع) بیانگر این مطلب است که ایشان پیش از تولد امام
عصر(ع) بسیار او را یاد نموده اند و در برخی از موارد هنگام یاد نمودن وی
اشتیاق خویش را به وی ابراز نموده و به یاد آن امام گریه کرده اند. برخی از این
روایات از این قرار است:

الف- امام سجاد(ع) در روایتی هنگام بیان برخی از وقایع پس از وفات امام
حسن عسکری(ع) و یاد امام عصر(ع) به یاد ایشان به شدت اشک از دیدگان
جاری نموده است (صدوق، همان، ۳۱۹/۱؛ طبرسی، إعلام الوری...، ۴۰۷).

ب- سدید صیرفی در روایتی می گوید: من، مفضل بن عمر، ابوبصیر و ابان بن
تغلب بر امام صادق(ع) وارد شدیم دیدیم که ایشان بر روی خاک نشستند و
با قلبی سوزان به شدت گریه نموده و این ذکر را زمزمه می کردند: «سَیِّدِی

غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَ ضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي...» (صدوق، کمال الدین، ۳۵۲/۲؛ طوسی، الغيبة، ۱۶۸). «ای آقای من غیبت تو آرامش مرا از من ربوده و زندگی را بر من تنگ نموده و قرار دلم را از من گرفته است...».

ج- در روایت دیگری هنگامی که دعبل اشعارش را در محضر امام رضا (ع) می خواند هنگام خواندن بیت:

خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله و البركات...

امام رضا (ع) پس از شنیدن این ابیات به شدت گریه نمود و سپس پیرامون آن امام به دعبل سخنانی فرمود (صدوق، عیون...، ۲۶۶/۲؛ اربلی، ۳۲۸/۲؛ طبرسی، إعلام الوری...، ۳۳۱).

د- امام جواد (ع) نیز در روایتی هنگام نام بردن امامان معصوم پیش از این که نام امام عصر (ع) را بیان کند به شدت گریه نمود (صدوق، کمال الدین...، ۳۷۹/۲؛ خزاز قمی، ۲۸۳). بر این اساس ذکر و یاد امام عصر (ع) و گریه نمودن در اشتیاق و فراق وی در دوران غیبت آن حضرت یکی از موارد تأسی به معصومان (ع) و یکی از اعمال صالح به شمار می آید. به نظر می رسد گریستن معصومان (ع) به یاد امام عصر (ع) و یاد نمودن وی سبب می شد که مؤمنان تا حدودی به منزلت و شرافت آن امام نزد معصومان پی ببرند. در واقع این یاد و گریه توجه مؤمنان را به آن امام غائب از نظر، جلب نموده و مقدمه ای می شد که معصومان (ع) به معرفی وی، تبیین دوران غیبت و رسالت منتظران در آن دوران بپردازند. علاوه بر این، گریه و یاد نمودن امام عصر (ع) موجب افزایش عشق و محبت منتظران نسبت به ایشان خواهد شد.

۲-۱-۷- دعا برای تعجیل در فرج

«دعاء» به گفته راغب همچون نداء می باشد با این تفاوت که نداء با یا، آیا و امثال آن صورت می گیرد و گاه به معنی مسألت نمودن است (راغب اصفهانی،

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۱۰۳

۳۱۵). این واژه از ریشه «دعو» به معنی خواندن و خواستنی است که مورد توجه، میل و قبول گردد، نه تنها خواندن که به معنی نداء کردن است و یا چیزی را از شخصی درخواست کردن. چنان که در عرف چنین است (مصطفوی، تفسیر روشن، ۳۹۰/۲). دعاء ارتباط بسیاری با عبادت دارد. زمخشری گوید: دعاء به معنی عبادت در قرآن بسیار به کار رفته است به عنوان نمونه وی در آیه «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر، ۶۰) «ادعونی» را به استناد ذیل این آیه به معنی «اعبدونی» ذکر کرده است (زمخشری، ۱۷۵/۴). رسول خدا (ص) نیز در روایتی دعاء را مغز و درون مایه عبادت دانسته است (ابن فهد حلی، ۲۹). اهمیت دعاء به اندازه ای است که خداوند می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَفَقَدَ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (الفرقان، ۷۷) (بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند...). سید بن طاووس در تبیین این آیه می نویسد: اگر دعاء ایشان نبود خداوند هیچ شأن و مقامی برای آن ها قرار نمی داد. به عبارت دیگر جایگاه و منزلت انسان نزد خداوند به قدر دعای اوست و ارزش وی نزد خداوند به اندازه اهتمام او به مناجات با خدا است (ابن طاووس، ۲۶).

یکی از دعاهایی که اهل بیت (ع) در دوران غیبت تأکید بسیاری نسبت به آن داشته اند، دعا برای تعجیل در فرج امام عصر (ع) می باشد. به عنوان نمونه امام حسن عسکری (ع) در روایتی فرموده است: به خدا سوگند حضرت مهدی (ع) غیبتی می کند که در دوران غیبتش کسی از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت وی ثابت نگه دارد و توفیق دعاء نمودن برای تعجیل در فرج آن حضرت را به او عنایت کند (صدوق، کمال الدین، ۳۸۴/۲؛ إربلی، ۵۲۶/۲) امام زمان (ع) نیز در توقیعی فرموده است: «... وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ

بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ...» (صدوق، همان، ۴۸۵/۲؛ طوسی، الغیبة، ۲۹۲).

تأمل بیشتر در چنین روایاتی بیانگر نکاتی مهم است:

الف- با توجه به تأکید بسیار معصومان (ع) نسبت به دعاء برای تعجیل در فرج امام عصر(ع) می توان دریافت که دعاء برای تعجیل در فرج در دوران غیبت یکی از وظایف اساسی منتظران به شمار می آید.

ب- یکی از اسرار و حکمت های این همه تأکید درباره دعاء برای تعجیل در فرج، افزودن احساس نیاز مردم به امام عصر(ع) و دولت کریمه ایشان است. به عبارت دیگر تا اکثریت مردم خواهان آن حضرت و دولت کریمه وی نباشند، چه بسا تحقق حکومت جهانی ایشان به تأخیر بیافتد. همچون حکومت امیرالمؤمنین(ع) که با روی آوردن اغلب مردم به ایشان و تقاضای حاکمیت وی محقق شد (رک: سیدرضی، ۴۹).

ج- دعاء برای تعجیل در فرج نزد امام عصر(عج) به اندازه ای اهمیت و ضرورت داشته است که ایشان مؤمنان را به این دعاء امر نموده و یکی از آثار آن را گشایش در امور مردم دانسته است.

د- گریه، تضرع و دعاء برای تعجیل در فرج، موجب نزدیک شدن زمان ظهور خواهد شد. در روایتی ذکر شده است بنی اسرائیل که قرار بود چهارصد سال عذاب شوند، چهل صبح به درگاه خداوند گریه و زاری کردند. خداوند به موسی و هارون (ع) وحی نمود که ایشان را از فرعون نجات می دهیم پس صد و هفتاد سال از عذاب آن ها کاسته شد. امام صادق (ع) در انتهای این روایت فرموده است: همچنین شما اگر آنچه آن ها نمودند به جا بیاورید، هر آینه خدا فرج ما را خواهد رساند و چنانچه این گونه نباشید، امر به نهایت خود منتهی می شود (عیاشی، ۱۵۴/۲؛ فیض کاشانی، ۴۶۰/۲). نویسنده تفسیر اثنا عشری پس از نقل این روایت می نویسد: از این حدیث شریف ظاهر می شود که ضجه و ناله

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۱۰۵

منتظران ظهور دولت حقه، هر آینه فرج را نزدیک می گرداند و لذا مؤمنان را به دعاء برای تعجیل در فرج امر نموده اند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۰۵/۶).

ادعیه و اذکاری که از معصومان (ع) در زمینه ارتباط انسان با امام زمان (ع) صادر شده است همچون دیگر ادعیه ایشان دارای محتوایی عالی و مضامینی بلند است که علاوه بر تقویت عشق، محبت و تحریک عواطف نسبت به آن امام که این امر در راستای آیه «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (الشوری، ۲۳) می باشد، از نظر آموزه های آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است که می توان دو رویکرد و نگاه تازه به این امر مبذول داشت:

الف- الگو بودن مضامین ادعیه

در نگاهی نو به دعاها صادر شده از اهل بیت (ع) می توان برخی از مضامین و آموزه های آن ادعیه را در زندگی فردی و اجتماعی الگو قرار داد. به عبارت دیگر اهل بیت (ع) در برخی از فرازهای ادعیه الگویی برای زندگی فردی و اجتماعی افراد ارائه نموده اند. مانند دعای ذیل که از امام عصر (ع) روایت شده است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّيَّةِ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَىٰ وَالِاسْتِقَامَةَ وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةَ وَ أَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ...» (کفعمی، البلد الامین، ۳۴۹) که برخی از آموزه های آن همچون اطاعت از خداوند، دوری از گناه، صداقت در نیت، سخن صحیح و حکیمانه گفتن، طلب علم و معرفت، اجتناب از غیبت و موارد دیگر هر کدام یکی از ابعاد یک الگوی مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی به شمار می آید.

ب- تعیین وظائف منتظران

رویکرد دیگر نسبت به ادعیه پیرامون امام عصر (ع) این است که در برخی از

ادعیه به صورت غیر مستقیم برخی از وظایف منتظران بیان شده است. مانند فراز «...اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَيَّ إِذَا رَأَيْتَهُ...» از دعای عهد که از امام صادق (ع) روایت شده است (همو، المصباح، ۵۵۱). تأمل در این فراز از دعا نشان می‌دهد که علاوه بر ایجاد ارتباط معنوی برخی از وظائف اساسی منتظران نسبت به امام عصر (ع) همچون لزوم یاری رساندن به آن امام، حمایت از ایشان، پیشی گرفتن از یکدیگر در برآوردن حوائج آن حضرت و سبقت گرفتن در حرکت به سوی خواسته آن امام، در این فراز بیان شده است.

۲-۱-۸- تبعیت از ولی فقیه

تبعیت از ولی فقیه به عنوان نائب عام امام عصر (ع) در دوران غیبت علاوه بر مصالح فراوان به مثابه تمرین تبعیت و اطاعت از آن امام به شمار می‌آید. چرا که تبعیت از ولی فقیه در راستای تبعیت از امام عصر (ع) است. در واقع زعامت و رهبری مسلمانان در دوران غیبت از ناحیه آن امام به فقیه جامع الشرائط رسیده است. بی تردید جامعه ای که پذیرای نائب امام عصر (ع) نباشد، پذیرای آن امام نیز نخواهد بود. سرگذشت مسلم بن عقیل، فرستاده و نائب امام حسین (ع) به کوفه شاهدهی بر این مدعا است. تاریخ نشان می‌دهد همان کوفیانی که از مسلم بن عقیل تبعیت نکرده و او را تنها گذاشتند از یاری نمودن امام حسین (ع) نیز محروم ماندند. جمله ذیل از امام حسین (ع) پس از شهادت عبدالله بن یقطر، مسلم بن عقیل و هانی بن عروه شاهد دیگری بر این مدعا است: «أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ قَدْ أَتَانَا خَيْرٌ فَطِيعٌ قَتَلَ مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ وَهَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ يَقْطَرٍ وَقَدْ خَدَلْنَا شِيعَتَنَا...»: «خبر فاجعه آمیز کشته شدن مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر، به ما رسیده است. البته شیعیان ما، ما را خوار نموده اند...» (طبری، ۳۹۸/۵؛ طبرسی، إعلام الوری...، ۲۳۱؛ ابن اثیر، ۴/۴۳).

۲-۲- رسالت حکومت اسلامی

حکومت اسلامی نقش بسیار مهم و محوری در زمینه سازی برای ظهور امام عصر(ع) و برقراری دولت کریمه ایشان دارد. چرا که تا حکومت اسلامی در آستانه ظهور اصلاح نشود و ملاک ها و معیارهای اسلام ناب در آن محقق نشود، امید اصلاح عموم مردم آرزویی بیش نخواهد بود. به عبارت دیگر اصلاح حکومت اسلامی تأثیر مستقیم در اصلاح عموم مردم دارد و بنا بر سخن مشهور «الناس علی دین ملوکهم» تا سران حکومت اسلامی رسالت خویش را در زمینه سازی برای ظهور و حاکمیت دولت کریمه امام عصر(ع) به خوبی انجام ندهند، نمی توان انتظار داشت که عموم مردم نیز رسالت فردی و اجتماعی خویش را برای تحقق این امر به خوبی انجام دهند. بر این اساس ذکر شاخصه های رسالت حکومت اسلامی به منظور زمینه سازی برای ظهور و حکومت جهانی امری ضروری است. شایان ذکر است که رسالت حکومت اسلامی به منظور تحقق این امر بر دو رکن اساسی استوار می باشد:

۲-۲-۱- رفع موانع ظهور

بی تردید زمینه سازی برای ظهور و دولت کریمه امام عصر(ع) نیازمند به رفع برخی از موانع می باشد و تا آن موانع برطرف نشود چه بسا ظهور به تأخیر بیافتد. بر این اساس شایسته است که حکومت اسلامی گام های جدی برای تحقق امور ذیل بردارد:

الف- مبارزه با ظلم، بی عدالتی و عوامل آن

در بسیاری از روایات پیرامون ظهور امام عصر(ع) ذکر شده است که آن حضرت، زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد می نماید. به عنوان نمونه امیر المؤمنین(ع) در روایتی فرمود: «... الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وَوَدِي هُوَ الْمَهْدِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...»

(کلینی، ۳۳۸/۱).

بر این اساس، حکومت اسلامی اگر در راستای مبارزه با ظلم، بی عدالتی و عوامل آن گام بردارد بی تردید در راستای اهداف و اقدامات امام عصر (ع) و در راستای زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه آن امام تلاش نموده است.

ب- مبارزه با فساد و عوامل آن

بی تردید تا زمانی که فساد در جامعه اسلامی برچیده نشود، حکومت اسلامی به خوبی نمی تواند نیروهای مؤمن و با تقوی برای دولت کریمه تربیت نماید. به دلیل این که فساد از یک سو مانع رشد و اصلاح معنوی عموم مردم می شود و از سوی دیگر خطری جدی برای مؤمنان به شمار می آید. چرا که در شرایط فساد، مؤمنان هر لحظه در خطر انحراف خواهند بود. بر این اساس حکومت اسلامی به منظور زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه وظیفه دارد که به طور جدی با فساد و عوامل آن در جامعه اسلامی مبارزه کند.

ج- مبارزه با بدعت

مراد از «بدعت» آوردن چیز جدیدی در دین است که هیچ اساس و مبنایی در قرآن و سنت نداشته باشد (طریحی، ۲۹۹/۴). رسول خدا (ص) در روایتی فرمود: «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ» (کلینی، ۵۷/۱). بر این اساس بدعت موجب ضلالت و گمراهی مردم می شود. در حقیقت بدعت یکی از موانع اساسی تحقق دولت کریمه است. روایات متعددی بیانگر این است که حضرت مهدی(ع) و یاران وی در آخر الزمان به شدت با بدعت مبارزه می کنند. به عنوان نمونه امام باقر (ع) در روایتی فرمود: «... خداوند به واسطه حضرت مهدی(ع) و اصحاب وی بدعت ها و باطل را نابود می کند» (قمی، ۸۷/۲). بنابراین با الگوگیری و الهام از این روایات، به منظور زمینه سازی برای ظهور، مبارزه با عوامل ضلالت مردم به ویژه مبارزه با بدعت و ریشه کن کردن آن در جامعه اسلامی امری ضروری به نظر می رسد.

د- پاسخ گویی به شبهات و افکار ضد مهدویت

بی تردید شبهات و افکار ضد مهدویت در صورت عدم پاسخ گویی خطری جدی در اعتقاد مردم نسبت به امام عصر (ع) به شمار می آید. لذا حکومت اسلامی برای مبارزه با این امر شایسته است که زمینه مناسبی برای برخی از نخبه گان از عالمان علوم دینی فراهم نماید تا آن ها به پاسخ گویی به این دسته از شبهات و افکار بپردازند و از این طریق از وقوع انحراف فکری و اعتقادی در عموم مردم پیش گیری نمایند.

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»: «هنگامی که بدعت ها در امت من آشکار شود، باید عالم، علم خویش را آشکار سازد و هر عالمی که این کار را انجام ندهد لعنت خدا بر او باد» (کلینی، ۵۴/۱).

۲-۲-۲- ایجاد زمینه و شرایط مناسب برای ظهور

حکومت اسلامی علاوه بر رفع موانع ظهور، نیاز جدی به ایجاد زمینه و شرایط مناسب برای ظهور و برقراری حکومت جهانی دارد. در واقع رفع موانع، مقدمه برقراری شرایط مناسب برای تحقق این امر می باشد. بر این اساس برنامه ریزی های دقیق و مطلوب در جهت تحقق امور ذیل نیز از اقدامات ضروری است:

الف- الگوبرداری از دولت کریمه امام عصر (ع)

تأمل در روایات پیرامون امام عصر (ع) نشان می دهد که برخی از این روایات، بیانگر برخی از شاخصه های دولت کریمه ایشان می باشد که می توان در رویکرد تازه ای به این دسته از روایات، برخی از شاخصه های گفته شده در روایات را الگویی برای دولت زمینه ساز ظهور دانست. به عبارت دیگر دولت کریمه امام عصر (ع) که در روایات توصیف شده می تواند الگوی مناسبی برای حکومت اسلامی پیش از ظهور قرار گیرد. چرا که آن دولت کریمه مورد رضای

خدا و رضای آن حضرت بوده و تحقق آن از اهداف ایشان می باشد. بی تردید هر چه قدر شاخصه های دولت کریمه در حکومت اسلامی محقق شود می توان گفت حکومت اسلامی در راستای تحقق اهداف امام عصر (عج) و زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه آن حضرت حرکت می کند. به عنوان نمونه برخی از شاخصه های حکومت دولت کریمه عبارتند از: عدالت گستری در سراسر زمین (کلینی، ۳۳۸/۱؛ طوسی، الغیبة...، ۱۸۰). رشد و کمال رساندن عقل و حلم مردم (صدوق، کمال الدین...، ۶۷۵/۲) نبودن بدعت ها و باطل (قمی، ۸۷/۲).

ب- عدالت گستری در جامعه اسلامی

به گفته راغب اصفهانی، عدل، تقسیط بر اساس راستی و کمال است (ص ۵۵۱) و نیز به معنی میانه روی در امور است و عادل کسی است که هر چیزی را در موضع مخصوص به خودش قرار می دهد و نقطه مقابل آن جور است (طریحی، ۴۲۱/۵). در این نوشتار مراد از آن همان غرض الهی از ارسال رسولان و انزال کتب در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (الحديد، ۲۵) می باشد (رک: طباطبایی، ۱۷۱/۱۹).

بی تردید عدالت گستری در جامعه اسلامی یکی از شاخصه های اساسی رسالت حکومت اسلامی در زمینه سازی برای ظهور امام عصر (ع) و تحقق دولت کریمه ایشان می باشد. در واقع عدالت گستری در جامعه اسلامی یکی از شاخصه های اساسی حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) به شمار می آید. بر این اساس حکومت اسلامی وظیفه دارد در تحقق این امر تلاش بسیاری داشته باشد.

ج- تربیت نیروی انسانی

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه

رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه ۱۱۱

مظالم و نابسامانی ها کار ساده‌ای نیست. آماده باش برای چنین هدفی بزرگ باید متناسب با آن باشد. یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ، مصمم، نیرومند، شکست‌ناپذیر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است و خود سازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی، فکری و اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۳۸۵/۷).

د- کسب توان مندی های نظامی

بی تردید در مسیر زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه، دشمنان اسلام مانند همیشه مانع از تحقق چنین اقداماتی خواهند شد. یکی از روش های آن ها به منظور مقابله با چنین اقداماتی تلاش های نظامی است. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (الأنفال، ۶۰) به این مطلب اشاره دارد. به گفته علامه طباطبایی امر مذکور در این آیه امر عامی است. به مؤمنان که در قبال کفار به قدر توانایی شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند به مقدار آن چه که کفار بالفعل دارند و آن چه که توانایی تهیه آن را دارند و جمله «... تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ...» در مقام بیان تعلیل جمله «وَأَعِدُّوا لَهُمْ...» است و معنایش این است که این قوا و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهر چشم گرفته باشید (طباطبایی، ۱۱۴/۹ و ۱۱۶). بر این اساس حکومت اسلامی وظیفه دارد بر اساس آیه مذکور آمادگی نظامی حکومت اسلامی را بیشتر نموده تا دشمنان اسلام، طمع آسیب رسانی به حکومت اسلامی را نداشته باشند.

علاوه بر آن چه گفته شد، «ارتقاء معرفت و بصیرت مردم در دین»، «تقویت روحیه ایمان و تقوی در جامعه اسلامی»، «تقویت روحیه شهادت طلبی و روحیه دفاع از دین» و «تقویت روحیه محبت به امام عصر(ع)» شاخصه های دیگری از رسالت

حکومت اسلامی در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه می باشد. اهمیت این امور به اندازه ای است که فقدان هر کدام می تواند سبب عدم یاری وی در دوران غیبت و ظهور ایشان شود و گاه انسان را در جریان مقابل وی قرار دهد و توفیق همراهی با آن حضرت و شهادت در محضر ایشان را از انسان سلب نماید.

نتیجه

- ۱- انتظار اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود یک عامل مهم تربیت، خود سازی، تحرک و امید خواهد بود و سبب اصلاح فرد و جامعه خواهد شد.
- ۲- تأمل در برخی از ادعیه توصیه شده در دوران غیبت نشان می دهد که با توجه به مضامین بلند آن می توان با دو رویکرد و نگاه نو به آموزه های آن، به برخی از شاخصه های رسالت منتظران پی برد. این دو رویکرد عبارتند از الگو بودن مضامین ادعیه و تعیین وظائف منتظران.
- ۳- بر اساس روایات اهل بیت (ع) إرتقاء سطح معرفت نسبت به امام عصر(ع)، تمسک به دین، تولی و تبری، إجتناّب از گناهان، انجام اعمال صالح، ذکر و یاد آن حضرت، دعا برای تعجیل در فرج و تبعیت از ولی فقیه شاخصه های اساسی رسالت عموم مردم در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه به شمار می آید.
- ۴- مبارزه با ظلم، فساد، بدعت و عوامل آن، پاسخ گویی به شبهات و افکار ضد مهدویت شاخصه های رسالت حکومت اسلامی در رفع موانع ظهور می باشد. عدالت گستری در جامعه اسلامی، تربیت نیروی انسانی، کسب توان مندی های نظامی، ارتقاء معرفت و بصیرت مردم در دین، تقویت روحیه ایمان و تقوی در جامعه اسلامی، تقویت روحیه جهاد و دفاع از دین، ارتقاء عشق و محبت مردم به اهل بیت (ع) برخی از شاخصه های رسالت حکومت اسلامی در ایجاد زمینه مناسب برای ظهور و تحقق دولت کریمه است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، ۱۳۸۶ق.
۲. ابن شعبه، حسن، *تحف العقول*، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب (ع)*، قم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم، انتشارات رضی، [بی تا].
۵. همو، *فلاح السائل*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، [بی تا].
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، تهران، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸. إربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ع)*، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۹. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، قم، ۱۳۷۱ق.
۱۰. ترمذی، سنن، به کوشش عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۱. تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان، ۱۴۰۱ق.
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۳. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، قم، ۱۴۰۱ق.
۱۴. خلیل بن احمد، *العين*، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق- بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۷. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، انتشارات دار الهجرة، [بی تا].
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. شفیع سروستانی، ابراهیم، *معرفة امام زمان (ع) و تکلیف منتظران*، تهران، ۱۳۸۴ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی [ابن بابویه]، *الخصال*، قم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. همو، *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران، ۱۳۷۸ق.
۲۲. همو، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، ۱۳۹۵ق.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طبرانی، *المعجم الأوسط*، دار الحرمین، [بی جا]، [بی تا].

۱۱۴ صحیفه مبین، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

۲۵. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج*، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، [بی تا].
۲۷. همو، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)*، به کوشش محمد جواد بلاغی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، به کوشش محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۲۹. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، به کوشش سید احمد حسینی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۱. همو، *کتاب الغیبة للحجة*، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر*، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، ۱۳۸۰ق.
۳۳. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، به کوشش حسین اعلمی، تهران، ۱۴۱۵ق.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر [تفسیرالقمی]*، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۵. کفعمی، ابراهیم بن علی، *البلد الامین*، [بی جا]، [بی تا].
۳۶. همو، *المصباح*، قم، ۱۴۰۵ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، ۱۳۶۵ش.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۳۹. همو، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، به کوشش سید هاشم رسولی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۴۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، ۱۳۶۰ش.
۴۱. همو، *تفسیر روشن*، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۳. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۴۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، ۱۳۹۷ق.
۴۵. نیلی نجفی، سیدعلی بن عبدالکریم، *منتخب الأنوار المضية*، قم، ۱۴۰۱ق.
۴۶. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، بیروت، ۱۴۰۸ق.